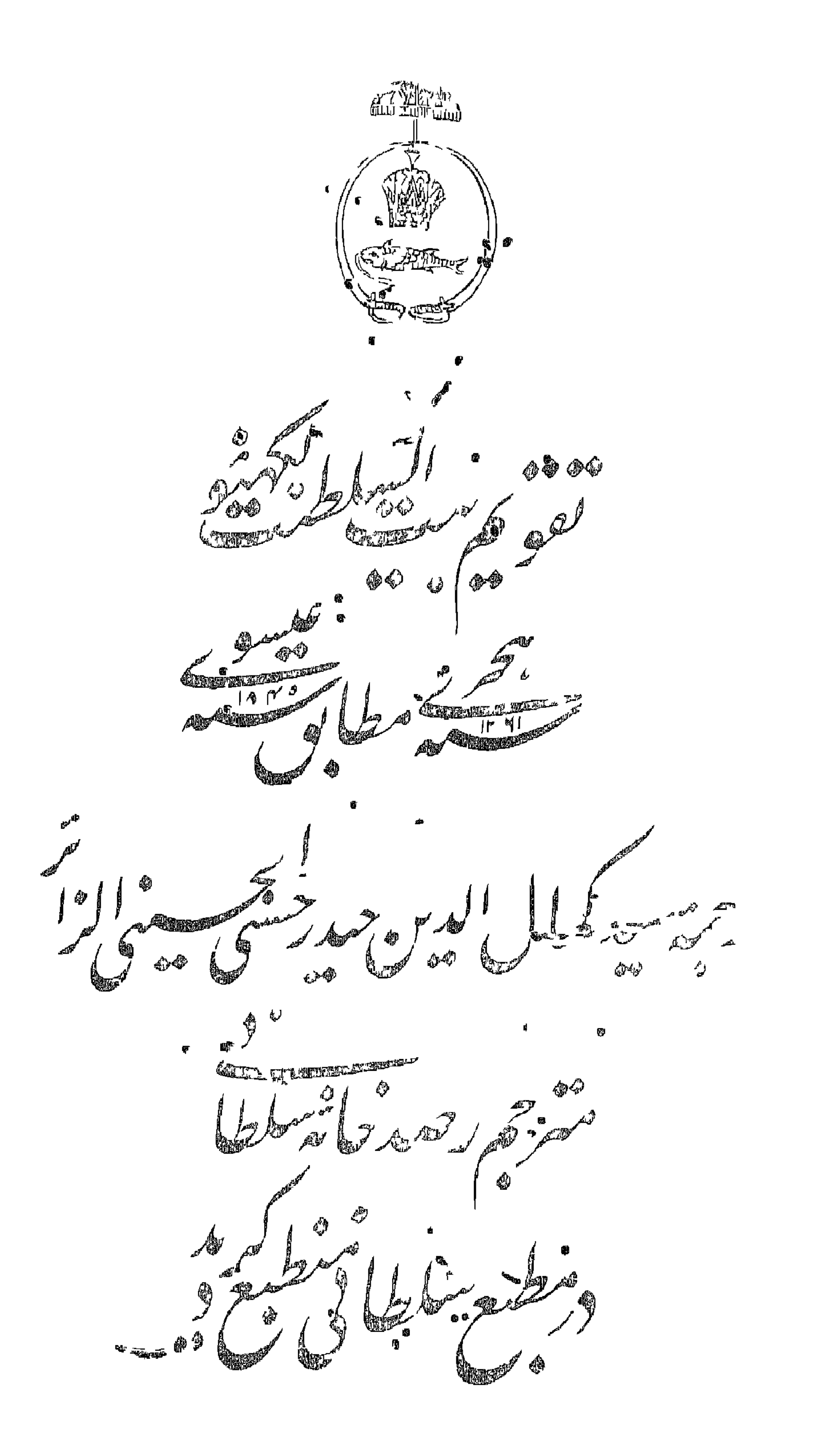

تقویم بیت السلطنت لکهنو
سنه ۱۲۶۱ هجری مطابق سنه ۱۸۴۵ عیسوی
ترجمه سید کمال الدین حیدر حسنی الحسینی الزائر
مترجم رصدخانه سلطانی
در مطبع سلطانی منطبع گردید

The

LUCKNOW ALMANAC

FOR THE YEAR

1845

Translated into Persian

Syed Kumaloodden Hyder.

at the

OBSERVATORY

OF

H M THE KING OF OUDE

Printed at

H M PRESS

جدول دریافت نمودن غرهٔ ماه عربی از ایام هفته روز یکشنبه

حرف علامت سنه هجری ۱۲۶۱		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
ی		۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
		۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
		۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
		۲۹	۳۰					
محرم	شوال	ا	ی	ع	ط	ح	ب	ل
جمادی الثانی	ذیقعده	ل	ع	ط	ح	ت	ل	ا
صفر	رجب	ع	ط	ح	ب	ل	ا	ی
ربیع	ذیحجه	ط	ح	ت	ل	ا	ی	ع
شعبان		ح	ب	ل	ا	ی	ع	ط
ربیع الثانی	رمضان	ت	ل	ا	ی	ع	ط	ح
جمادی الاول		ل	ا	ی	ع	ط	ح	ب

ایضاً دریافت نمودن غرهٔ ماه انگریزی از ایام هفته روز یکشنبه

حرف علامت سنه عیسوی ۱۸۴۵		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
ج		۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
سال کبیسه فروری ۲۹ یوم		۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
می سی و		۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
		۲۹	۳۰	۳۱				
جنوری	اکتوبر	ا	ی	ج	ط	ح	ب	ل
مئی		ی	ع	ط	ج	ب	ب	ا
اگست		ع	ط	ح	ت	ل	ا	ی
فروری نومبر مارچ		ط	ج	ت	ل	ا	ی	ع
جون		ح	ب	ل	ا	ی	ع	ط
ستمبر دسمبر		ت	ل	ا	ی	ع	ط	ح
اپریل جولائی		ل	ا	ی	ح	ط	ح	ب

و این جدول هر دو حساب راست حرف علامت ما فوق که سال مطلوب است بعد تعداد ان در جدول مقابله ماه مطلوب و ما فوق الحرف کدام تاریخ است پیش همان تاریخ روز یکشنبه خواهد بود وار یکشنبه یوم عره را دریافت نماید فقط

ملاحظہ تقویم سنہ ۱۲۶۱ ہجری مطابق سنہ ۱۸۴۵ عیسوی رصدخانہ بیت السلطنت لکھنو			
عرض بلد شمالی	۲۶	۵۱	۵
طول بلد شرقی از رصدخانہ لندن	۸	۵۸	۴۵

جدول تحویل آفتاب در بروج بحساب اوقات دو پہر گرفتہ می شود

نام فصول	نام بروج	شہور انگریزیے	یوم	تاریخ	ساعت	دقایق	شہور عربیے	شہور فارسیے	شہور ہندیے
ربیع یعنی بہار	حمل	مارچ	یکشنبہ	۲	۱۱	۸	ربیع الاول	فروردین	پھاگن
	ثور	اپریل	شنبہ	۱۹	۲۳	۱۹	ربیع الثانی	اردی بہشت	چیت
	جوزا	مئی	سہ شنبہ	۲	۲۳	۳	جمادی الاولی	خورداد	بیساکھ
صیف تابستان	سرطان	جون انتہای روز دراز	سہ شنبہ	۲۱	۸	۲	جمادی الثانی	تیر	جیٹھ
	اسد	جولائی	سہ شنبہ	۲۲	۱۹	۴	رجب	مرداد	اساڑھ
	سنبلہ	اگست	شنبہ	۲۳	۱	۳۷	شعبان	شہریور	ساون
خریف خزاں	میزان	سپٹمبر	دوشنبہ	۲۳	۲۲	۱۰	رمضان	مہر	بھادوں
	عقرب	اکتوبر	پنجشنبہ	۲۳	۶	۳۱	شوال	آبان	کوار
	قوس	نومبر	شنبہ	۲۲	۳	۵	ذیقعدہ	آذر	کاتک
شتا زمستان	جدی	ڈسمبر انتہای روز کوچکی	یکشنبہ	۲۱	۱۵	۵۱	ذی حجہ	دی	اگہن
	دلو	جنوری	یکشنبہ	۱۹	۲	۳۲	محرم	بہمن	پوس
	حوت	فروری	سہ شنبہ	۱۸	۱۱	۱۱	صفر	اسفندار	ماگھ

جدول تحویل قمر در برج عقرب و خروج آن

شهور انگریزیه		تاریخ	ساعت	دقایق	شهور انگریزیه		تاریخ	ساعت	دقایق
صوری تحویل	پنجشنبه	۲	۱۷	۴۱	جولائی	یکشنبه	۱۳	۱	۳۹
خروج	شنبه	۴	۱۹	۵۱		سه‌شنبه	۱۵	۵	۱۱
ایضاً	چهارشنبه	۲۹	۲۳	۵۳	اگست	شنبه	۹	۸	۵۱
فروری	شنبه	غره	۳	۳۴		دوشنبه	۱۱	۱۲	۴۶
ایضاً	چهارشنبه	۲۶	۵	۱۸	ستمبر	جمعه	۵	۱۳	۱۳
	جمعه	۲۸	۹	۱۵		یکشنبه	۷	۱۸	۳۱
مارچ	سه‌شنبه	۲۵	۱۲	۱۰	اکتوبر	پنجشنبه	۲	۱۹	۳۸
	پنجشنبه	۲۷	۱۴	۵۹		یکشنبه	۵	۰	۳
اپریل	دوشنبه	۲۱	۲۱	۱۵	ایضاً	پنجشنبه	۳۰	۴	۱۴
	چهارشنبه	۲۳	۲۲	۴۷	نومبر	شنبه	غره	۷	۲۵
مئی	دوشنبه	۱۹	۷	۳۶	ایضاً	چهارشنبه	۲۶	۱۴	۲۸
	چهارشنبه	۲۱	۸	۴۴		جمعه	۲۸	۱۵	۱۸
جون	یکشنبه	۱۵	۱۷	۳۱	دسمبر	چهارشنبه	۲۴	۰	۳۳
	شنبه	۱۷	۲۹	۲۷		جمعه	۲۶	۴	۲۲

جدول رویت هلال

شهور انگریزی	تاریخ	یوم	شهور عربی	یوم غره
غرهٔ جنوری چهارشنبه ۳۱ یوم	شک ۹ ۱	جمعه	محرم	سه‌شنبه
فروری سه‌شنبه ۲۸	۸	سه‌شنبه	صفر	یکشنبه
مارچ سه‌شنبه ۳۱	۱	دوشنبه	ربیع الاول	سه‌شنبه
اپریل سه‌شنبه ۳	۸	سه‌شنبه	ربیع الثانی	چهارشنبه
مئی یکشنبه ۳۱	۸	یکشنبه	جمادی الاول	جمعه
جون یکشنبه ۳	۶	جمعه	جمادی الثانی	شنبه
جولای سه‌شنبه ۳۱	۶	یکشنبه	رجب	دوشنبه
اگست جمعه ۳۱	شک ۴ ۵	سه‌شنبه	شعبان	چهارشنبه
سپتمبر دوشنبه ۳	۳	چهارشنبه	رمضان	پنجشنبه
اکتوبر چهارشنبه ۳۱	۳	جمعه	شوال	شنبه
نومبر شنبه ۳	غره	شنبه	ذیقعده	یکشنبه
دسمبر دوشنبه ۳۱	غره	دوشنبه	ذیحجه	سه‌شنبه

جدول تحویل ستارات در بروج

عطارد	جنوری ۱ جدی	فروری دلو	مارچ ۵ حوت	اپریل ۵ ثور	جون ۱۲ جوزا	جولای ۱۳ اسد	اکتوبر ۷ میزان	نومبر ۱۲ قوس	ڈسمبر ۲ جدی		
			۱۲ حمل		۲۹ سرطان	۳ سنبله	۲۴ عقرب		ستمبر	اکتوبر	نومبر ڈسمبر
زهره	قوس	۱۱ ایضاً	۷ حوت	۱ حمل	مے ۱۶ جوزا	جون ۱۳ سرطان	جولای	اگست	۱۶ عقرب	۱۴ قوس	۸ حمل ۵ دلو
	۱۸ جدی			۲۵ ثور			۷ اسد	۱ سنبله			
								۲۰ میزان			
مریخ	عقرب	۲ قوس	۸ جدی	۲۶ دلو		۴ حوت		۲۶ حوت		۲۱ حمل	
مشتری	۲ حمل				۱ ثور	۱۳ دلو					
زحل	دلو										
حارحیم سیڈنس	حمل										

جدول کسوف خسوف شمسی و قمری سنہ ۱۲۶۱ مطابق سنہ ۱۸۴۵

کسوف شمسی تاریخ سیوم ماہ مئی روز چہارشنبہ وقت ۹ ساعت بعد دوپہر غیر مرئی لکھنو

ایضاً ۱۳ اکتوبر روز جمعہ وقت ۹ ساعت صبح غیر مرئی

خسوف قمری کامل ۲۱ مئی چہارشنبہ وقت شام مرئی

	ساعت	دقیقہ
اتصال نیم ظل	۶	۴۳
ظل حقیقی	۷	۴۱
ظلمت کامل	۸	۵۵
وسط خسوف	۹	۱۸
انتہای انجلا	۹	۴
انجلای ظل صادق	۱۰	۵۵

انخساف قمری قریب بکامل ۱۳ نومبر شنبہ مرئی

	ساعت	دقیقہ
اتصال نیم ظل	۱۵	۶۱
ظل حقیقی	۱۶	۳۴
وسط خسوف	۱۸	۱۳
انتہای انجلا	۱۹	۵۲
انجلای ظل صادق	۲۱	۵

علامت و آثار ممتحنه برای موسم

در ماه حوت شرقی باران می آید و در ماه مارچ و اپریل و مئی اگر ابرهای سیاه و غلیظ از جانب جنوب غربی بیاید و اگر بعد زوال می آید و رعد و برق هم نماید بعد از آن ژاله خواهد شد

اگر تار عنکبوت با ماهتاب وقت طلوع شود دران روز مطلع صاف خواهد ماند و اگر باران وقت صبح بارد و ابر قبل از دوپهر برطرف شود سه پهر وقت خوب خواهد بود و اگر باران بعد زوال هم نماید تمامی روز غالب هست که بارش خواهد ماند

در موسم سرما اگر بار صبح باشد باران نخواهد بارید و اگر ابر باشد و بار صبح نباشد باران ضرور خواهد بارید و اگر باران قبل از طلوع آفتاب شود امید قوی هست که بعد زوال مطلع صاف خواهد بود و اگر بار صبح وقت صبح از زمین پست برپا شود دران روز مطلع صاف خواهد بود

اگر هاله بزرگ گرد ماه شود و قوس قزح وقت صبح با تابش صبح برکوهها شود باران خواهد بارید و اگر اما تمثیل غروب برپا و ارکسند باران خواهد آید اگر دور تر برود ار بعد مطلع صاف خواهد بود

اگر ستاره ی سحرگه وقت شام تیره و صبح آل مطلع صاف خواهد بود و اگر کوهها بر خلاف معمول در اشیاء پار و بدرود و هم باران خواهد بارید و اگر کوههای بعید صاف وقت صبح نشوند دران روز مطلع صاف خواهد بود

اگر در موسم بهار و گرما وقت صبح نسبت روز گذشته حرارت زیاده بود وقت شام طوفان خواهد آمد

جدول طلوع و غروب آفتاب موافق عرض بلد لکهنؤ در وقت مقابله زمان حقیقی با ظاهری

شهور	روز	طلوع ساعت	طلوع دقیقه	غروب ساعت	غروب دقیقه	ساعت دقیقه سریع
جنوری	۱	۶	۵	۵	۱	۴
	۸	۶	۴۷	۵	۱۳	۷
	۱۵	۶	۴۵	۵	۱۵	۱
	۲۲	۶	۴۲	۵	۱۷	۱۲
	۲۹	۶	۳۸	۵	۲۲	۱۳
فروری	۱	۶	۳۶	۵	۲۴	۱۴
	۸	۶	۳۱	۵	۲۹	۱۵
	۱۵	۶	۲۶	۵	۳۴	۱۴
	۲۲	۶	۲۱	۵	۳۹	۱۴
مارچ	۱	۶	۱۵	۵	۴۵	۱۳
	۸	۶	۱	۵	۵	۱۱
	۱۵	۶	۴	۵	۵۶	۹
	۲۲	۵	۵۹	۶	۱	۷
	۲۹	۵	۵۴	۶	۶	۵
اپریل	۱	۵	۵۱	۶	۹	۴
	۸	۵	۴۶	۶	۱۴	۲
	۱۵	۵	۴	۶	۳	
	۲۲	۵	۳۵	۶	۲۵	۲ بطی
مئی	۱	۵	۲۹	۶	۳۱	۳
	۸	۵	۲۴	۶	۳۶	۴
	۱۵	۵	۲	۶	۴	۴
	۲۲	۵	۱۷	۶	۴۳	۳
	۲۹	۵	۱۴	۶	۴۶	
جون	۱	۵	۱۳	۶	۴۷	۳
	۸	۵	۱۱	۶	۴۹	۱
	۱۵	۵	۱	۶	۵	
	۲۲	۵	۹	۶	۱	۲ سریع

شهور	روز	طلوع ساعت	طلوع دقیقه	غروب ساعت	غروب دقیقه	ساعت دقیقه	
جولائی	۱	۵	۱	۶	۵	۳	
	۸	۵	۱۲	۶	۴۸	۵	
	۱۵	۵	۱۴	۶	۴۶	۶	
	۲۲	۵	۱۷	۶	۴۳	۶	
	۲۹	۵	۴	۶	۴	۶	
اگست	۱	۵	۲۴	۶	۳۶	۶	
	۸	۵	۲۶	۶	۳۴	۵	
	۱۵	۵	۳۱	۶	۲۹	۴	
	۲۲	۵	۳۶	۶	۲۴	۳	
	۲۹	۵	۴۱	۶	۱۹	۱	
ستمبر	۱	۵	۴۴	۶	۱۶	۰	بطی
	۸	۵	۴۹	۶	۱۱	۱	
	۱۵	۵	۵۴	۶	۶	۵	
	۲۲	۵	۵۹	۶	۱	۷	
اکتوبر	۱	۶	۶	۵	۵۴	۱۰	
	۸	۶	۱۲	۵	۴۸	۱۲	
	۱۵	۶	۱۷	۵	۴۳	۱۴	
	۲۲	۶	۲۳	۵	۳۷	۱۵	
	۲۹	۶	۲۸	۵	۳۲		
نومبر	۱	۶	۳	۶	۳۲	۱۶	
	۸	۶	۳۴	۶	۳	۱۶	بطی
	۱۵	۶	۳۹	۵	۲۶	۱۶	
	۲۲	۶	۴۳	۵	۲۱	۱۵	
				۵	۱۷	۱۴	
دسمبر	۱	۶	۴۷	۵	۱۳	۱۱	بطی
	۸	۶	۴۸	۵	۱۲	۸	
	۱۵	۶	۵۱	۵	۹	۵	
	۲۲	۶	۵۱	۵	۹	۱	
	۲۹	۶	۵۰	۵	۱۰	۲	سریع

در وقت صبح وقتیکه کنارهٔ تحتانی شمس تحت افق باشد مقابلهٔ ساعت خود نمایند
و وقت غروب وقتیکه کنارهٔ مذکور مماس افق باشد کنند

حال سلطنت و ریاست اکثر بلاد هندوستان و غیره سنه ۱۲۶۱ هجری مطابق سنه ۱۸۴۵ عیسوی

نیابت و سلطنت مملکت اوده

اسما سلاطین		مدت نیابت و سلطنت
۱ میر محمد امین	خاندان شهزاده های ملک اوده از نسل میر محمد امین از مردم نیشاپور ملک خراسان از اعالی و اکابر خاندان ایران در عهد سلطنت بهادر شاه بادشاه شاه جهان آباد رسیده و بخدمات عالیه ممتاز و بخطاب نواب سعادت خان برهان الملک سرفراز گردیده و در سنه ۱۱۲۳ هجری مطابق سنه ۱۷۱۱ عیسوی در عهد محمد شاه بادشاه صوبه دار ملک اوده گردید چون نواب موصوف را پسر نبود و کاملهٔ نهمین بعد انتقال نمودن شان که در ماه ذیحجه سنه ۱۱۵۱ هجری بعد رسیدن نادر شاه شاه جهان آباد اتفاق افتاد بطرف میرزا محمد مقیم مخاطب بمنصور علیخان صفدر جنگ که خواهرزاده و داماد شان بود ریاست منتقل گشت	[illegible]
۲ صفدر جنگ	در سنه ۱۷۵۴ عیسوی مطابق سنه ۱۱۶۷ هجری بمقام پاپرگهات انتقال نمودند و لاش ایشان را خدمی در گلاب باری منصور آباد سپرده نمودند شاه جهان آباد بردند و مقبره بمقام شاه مردان دفن نمودند و در عهد ریاست	

اگر در موسم غیر مستمطره مطلع دور تر صاف باشد و یک خط سیاه از نوک افق باشد قبل از برطرف شدن موسم صاف باران شدید خواهد بارید

هرگاه بارمبع شود و همچنین در موسم صاف در زمین کجهایه نماند هوای بد پیدا شود و با خوشی و سیب های بد غلادس کرد و چراکه این علامت اوست

هرگاه گاوها مجتمع شوند و در حالت سکون باشند این علامت طوفان سخت است

۶ نواب سعادت علیخان — برادر نواب آصف الدوله که از چند سال بعد سیاحت
اکثر بلاد و گردش زمانه مقیم شهر بنارس بود چیریسی
بهالاله از لکهنو بیرسید برسبیل ڈاک انگریزی از راه کانپور
رسیده و ۲۶ ماه جنوری ۱۷۹۸ عیسوی مطابق سوم ماه شعبان
روز شنبه بیوم شنبه ۱۲۱۲ هجری بسن چهل و پنج سالگی
به مسند وزارت نشستند و در ۱۲۲۹ هجری بست و سوم
ماه رجب شب سه شنبه مطابق ۱۸۱۴ عیسوی بسن شصت و
سه سالگی و هجده ماه انتقال نمودند ملکان خلف ارشد خود
نواب غازی الدین حیدر خان بهادر بدون کردند
رزیدنٹ لمسڈن صاحب بهادر کرنل ولیم اسکاٹ صاحب بهادر
بهادر کرنل کالنس صاحب بهادر کرنل جان بیلی صاحب بهادر
نائب نواب شمس الدوله رای تن جند — ۱۸ سال جیری کم

۷ نواب غازی الدین حیدر خان بهادر — بسن چهل و دو سالگی در سنه ورود کور برمسند وزارت
نشستند و در ۱۸۱۹ عیسوی مطابق ۱۲۳۵ هجری ماه
شهر ذیحجه روز سه شنبه خطاب وزارت را گذاشته بوجوه
واسباب چندها دشاه ملک و خطاب شاه زمن مشهور
گردیدند رزیدنٹ بیلی صاحب بهادر نائب معتمد الدوله

و در ۱۲۴۳ هجری مطابق ۱۸۲۷ عیسوی ماه ربیع الاول
روز سه شنبه بیست و هفتم روز دیوالی بعد سن پنجاه و شش

	نواب مرحوم راجه نول رای نایب بود	
۳ نواب شجاع الدوله	در ۱۱۶۷ هجری بس بست و شش سالگی بمقام منصور آباد بر مسند وراثت نشست و در ۱۱۸۸ هجری مطابق ۱۷۷۵ عیسوی بعمر چهل و پنج سالگی انتقال نمود و در گلاب باڑی سپرده شد بعهد دولت ایشان شاه عالم بادشاه جهان آباد و رسما دربار ریذیدنت میجر مڈلٹن صاحب بهادر و نایب راجه بینی بهادر	۱۹ سال
۴ نواب آصف الدوله	در ۱۱۸۸ هجری مطابق ۱۷۷۵ عیسوی بس بست و هفت سالگی بر مسند وراثت نشست و در ۱۲۱۲ هجری بس پنجاه و یک و چند ماه انتقال نمود و در امام باڑہ خود واقع بیت السلطنت لکھنؤ مدفون گردید ریذیدنت جان برسٹو صاحب بهادر و مستر الیوس صاحب بهادر و مڈلٹن صاحب بهادر و نایب مختار الدوله ایلچ خان سرفراز الدوله حسن رضا خان صاحب بهادر و تفضل حسین خان	۲۲ سال
۵ میرزا وزیر علی خان	پسر خوانده نواب مرحوم حاکم ریاست گردید چون حق عدم وراثت او روشن شد و تحقیق گشت بعد چهار ماه و دو یوم بتجویز صاحبان صدر کلکته معزول گردید چندی در بنارس مطلق العنان ماند بعد از آن از حرکت افعال نالایق خود در قلعه کلکته مقید مانده همانجا انتقال نمود و در عهد ریذیدنت لمسڈن صاحب بهادر و نایب تفضل حسین خان	۵ ماه و ۲ یوم

وارث و مالک تخت سلطنت کردند بست و سه سالگی
جلوس فرمودند و بعد هفت و هشت سالگی پنجم ماه
ربیع الثانی شب سه شنبه ۱۲۵۳ هجری مطابق ۱۸۳۷
عیسوی بفردوس رفتند مدفون امام باڑه حسین آباد
لو تعمیر خود کرده بودند در ریذیڈنٹ کرنیل جان لو صاحب بهادر
نایب رئیس الدوله منتظم الدوله ظهیر الدوله مولوی
غلام یحیی خان عرف میان کلن منور الدوله احمد علیخان
شرف الدوله محمد ابراهیم خان

محمد علی شاه — ۵ سال

پادشاه خلف ارشد حضرت فردوس منزل بروایت
اتنائی خود در روز سه شنبه مذکور بسن چهل و پنج سالگی
بر تخت سلطنت جلوس فرمودند نایب شرف الدوله
امین الدوله امداد حسین خان بهادر منور الدوله
احمد علیخان بهادر مدار نواب امین الدوله بهادر
رزیڈنٹ کرنیل جان لو صاحب بهادر کرنیل کالفیلڈ
صاحب جان لو صاحب سر اکسلنسی ولیم جنرل
باٹ صاحب بهادر سر جارج پالک صاحب بهادر
کپتان شکسپیر صاحب بهادر قائم مقام کرنیل رچمنڈ
صاحب بهادر
مرزا ولیعهد بهادر واجد علیخان خلف ارشد حضرت
اقدس و اعلی خلد الله ملکه و سلطنته

بریاض جنت شتافتند و مقبره نوتعمیر خود مسمی شد به
نجف اشرف مدفون گردیدند و زن شد مثار و ث ترکش

۱۴ سال خبر نیکم — صاحب بهادر

نصیر الدین حیدر خان بهادر خلد منزل — شاه زمان در سنه در وز نه گور به تخت سلطنت نشستند
بس بیست و پنج سالگی و بعد سی و پنج سال تخت نشاهند
در پیشه کربیل خان لو صاحب بهادر در شیعه کربلای
نوتعمیر خود مدفون شدند نائب معتمد الدوله آغا میر
اعتضاد الدوله میر فضل علی معتظم الدوله حکیم مهدی علیخان
روشن الدوله محمد حسین خان عرف مرزا بهنو — ۱۰ سال ۹ یوم

میرزا فریدون بخت — چون خلد منزل در حین حیات خود ابطال ولدیت میرزا
مهدیون بخت عرف منا جان نموده بودند از این تا عیب
سلطنت با و منتقل نکرده ویداکرته با غوای مردم با همم
معیت بادشاه بیگم بدار السلطنت رسید و ساعی به تخت
نشست لیکن فوج انگلیسیه بعد قتل و قمع مردم همراهانش
از تخت فرود آورده مع بادشاه بیگم گرفتار کرده بقلعه
چنار گڈه فرستاد و تا حال بچان حامی باشند و
وظیفه از سرکار بادشاهی بوساطت صاحبان عالیشان
میرسد

نواب نصیر الدوله بهادر — یعنی محمد علی شاه بادشاه عموی حقیقی بادشاه موصوف

مثل افیون و مجموع سرکاری وغیره که زمین قابلیت
پیدایش بر چیز دارد بشرطیکه بخوبی تردد بعمل آید و شوره
و نمک بسیار در علاقهٔ بیسواڑه و سلون وغیره پیدا میشود
و سنگ لاجورد هم درین صوبه یافته میشود و آب و هوا
خوشگوار و از عمارات عمده و عالی که مشهور تمام
ملک و سیاحان است امام باڑه نواب آصف الدوله
مرحوم و مسجد بزرگ که مابین سنه ۱۷۸۳ و سنه ۱۷۸۴ عیسوی
مطابق سنه ۱۱۹۵ و سنه ۱۱۹۹ هجری تعمیر یافت که وسعت
طول دالان ۱۶۲ فیت و عرض ۵۲ فیت میشود
و از آنجمله از عمارتهای سابقه که در زمان نواب
سعادت علیخان [illegible] وغیره تعمیر یافت
دیگر از عمارات عالیه تعمیر حال که در تمام هندوستان
کاهی مانند آن خوبی نبوده رقص خانه سلطانی که در زمان
حضرت اقدس و اعلی خلد الله ملکه با تمام پیوسته
و تکمیل چینی آمیزی وغیره که بالفعل میشود و ازین مثل
عمارات امام باڑه حسین آباد وغیره که در عهد
فردوس منزل تعمیر یافت عرض بلد بیت السلطنت
لکهنو ۲۶ درجه ۵۱ دقیقه شمالی طول بلد شرقی ۸۰ درجه
۵۰ دقیقه بعد مسافت از کلکته ۶۵۰ میل

مدت ریاست و سلطنت	سن بیست و سه ساله
۳ ۱۳ سال	
حدود ملک او	ما بین ۲۴ و ۲۸ درجه عرض بلد شمالی واز جانب شمال بضلاع کوچک ملک نیپال محدود واز سمت کوهپای کوچک وجنگلها علیحده جانب جنوب الهآباد وجانب شرق صوبه بهار وجانب غرب اکبرآباد وشاهجهان آباد وطول ۲۵۰ میل عرض ۱۰۰ میل مربع میل ۳۰۰ مردم سکنه زیاده از سی لک صد از روی مساحت وموافق تحقیق ابوالفضل ملک اوده در اقلیم دوم است طول از سرکار گورکپور تا قنوج ۱۳۵ کروه عرض از کوههای شمالی تا صوبه الهآباد ۱۱۵ کروه جانب شرق صوبه بهار تهپال کوهها جانب جنوب مانکپور جانب غرب قنوج دریای بزرگ گهاگهره ودر هوا وگومتی وسیتی وغیره وچهار سرکار گورکپور بهرایچ خیرآباد ولکهنو ۱۳۰ پرگنه درین صوبه بود وآمدنی ملک دران وقت نخاه لک وچهل وسه هزار و چهار صد وپنجاه وچهار روپیه بود ودرین صوبه مذکور هموار وسطح زرریز وسرسبز وشاداب و پیدایش هر اقسام غله مثل گندم نخود جو برنج مشکر

	کمپنی شود و بیرا اگر رسداران در رسانی قصور کنند	
	اعانت فوج از سرکار کمپنی شود و سرکار کمپنی را بداخلت	
	در امورات ملکی اوشان نیست	۸۸۸۸۴
۶	حیدرآباد	۲۴،۹۵
۷	بروده	
درجه سوم	عهدنامه اینکه دشمن سرکار دشمن یکدیگر و دوست	
	سرکار دوست یکدیگر و اگر حاکم ریاستهای مندرجه	
	خراج گذار و مصرمانعی که سرکار کمپنی را حاکم وقت	
	دانسته و مطیع و منقاد سردار گردیده بروقت ضرورت	
	جنگ شریک شوند لیکن مالک و مختار ملک خود	
	باشند	
۸	اندرون ریاستهای راجپوت	۴،۲۳۵
۹	اودی پور	۱۱،۶۸۴
۱۰	جی پور	۱۳،۴۲۶
۱۱	جودپور	۳۴،۱۳۲
۱۲	کوته	۴،۳۸۹
۱۳	بوندی	۲،۲۹۱
۱۴	الور	۳،۲۳۵
۱۵	بیکانیر	۱۸، ۶
۱۶	جیسلمیر	۹،۶۶۹

آمدنی حال	ملک عوضه ملک عوضه اضلاع و محال [illegible]
	یک کرور یک کرور بیست لک
	وبیست لک بیست لک بیست
	صد [illegible]
	عهدنامه اینکه دشمن سرکار دشمن یکـ سرکار و دوست یکدیگر و اگر دشمن باشد بهر صورت اعانت از سرکار هم سرکار کمپنی را اعتبار است که دخل نماید
درجه اول	ممالک
۱	ملک اوده
۲	میسور
۳	برار یا ناگپور
۴	ٹراونکور
۵	کوچین
درجه دوم	عهدنامه اینکه دشمن سرکار دشمن کـ سرکار دوست یکدیگر و اگر دشمن باشد و فی باشد بهر صورت اعانت

۳۲	پتیالا تیره	۱۶۰۶۲
درجه پنجم	دوسی وکچهتی	۳۲۰۹۴۴
۳۳	گوالیار	
درجه ششم	انحصار سرکار کمپنی آن است که حفاظت و بدحلنا خود از طرف سرکار نماید	
۳۴	ستارا	۷۰۹۴۳
۳۵	گوالیور	۳۱۰۸۴
مطلب ان اسلام ۴	حیدرآباد آوده بهوپال تونک	
ریاستهای سوم ۸	یعنی مرهته ستارا گوالیار ناگپور اندور یا بدا گوالیور دهار دیواس	
ایضاً اجپوت ۱۹	اودی پور جی پور جودپور بوندی کوتا کچ الور بیکانیر جیسلمیر کشن گده جنسوار و رتلب گده ڈونگرپور کرولی سیروهی ریوان دیا جهالاسی شهر	
ایضاً دیگر قوم هنود ۱۴	... بهرت پور بژاولکور ساوت واری کوچین دهول پور	
	ریاستهای دیگر راجه جاگیرداران مثل کوتا ماکپور سرکوجر سنبل پور سنگ بهوم اودی پور منی پور بن جور دیگر جاهدان بهروتیج بیدور پور مرج تلسکان ینیالی اکل کوتی	
	ریاستهای ساکر وطلکت نربدا وسکم و ریاستهای کوهستان شمالی	

۱۷	کانش کڈه	۴۳۷۰
۱۸	بسواره	۱۰۴۴
۱۹	برهات کڈه	۱۰۴۵۷
۲	ڈونکرپور	۲۰۰۰۵
۲۱	کرولی	۱۲۰۸۷۸
۲۲	سروئی	۳۰۰۲۴
۲۳	برہه پور	۲۰۹۴۶
۲۴	بهوپال	۲۴۰۷۷۲
۲۵	کچ	۷۰۳۹۶
۲۶	دهار و دیوس	۱۰۴۶۶
۲۷	دهول پور	۲۰۶۲۶
۲۸	ریوان	۱۱۰۰۳۱
۲۹	جهانسی	۱۴۰۱۷۳
۳۰	ستاونت واری	۹ ۳۵
درجه چهارم	ریاستهای مفوضه مواثیق برایمینی که رعیت ثروت کار بسر کار بروند لیکن حاکم و مالک در ملک خود باشند	
۳۱	امیرخان ٹونک	۱۱۱ ۳
	سیرانج	۲۶۱
	لمبا پارا	۲۶۹
		مربع میل ۱۱۶۳۳

تاریخ	کیفیت		
	عہد و موج ساکن علیہ علاقہ شاہجہاں پور ارحصہ ایلکھنو	ماہیت ۵ ر ۴ پای	اسامی
۱۴ اکتوبر ۱۸۳۹	مرزا محمد آسمان قدر از سارس	امانت ۹ ر ۹ پای	صرا امالہ
ستمبر ۱۲ ۱۸	متعلقان حسن رضا خان تا دوام حیات وظیفہ تفصیلا در براوده	نامعلوم	اسامی
۹ می ۱۸۴۰	موسیٰ بیگم زوجہ وزیر علی تا دوام حیات	شاہ	معمول مال
۲۲ دسمبر ۱۸۵۸	خاندان حمایت اسعد خان مرحوم تا دوام وحیات	مارچ	نمبر
۱۰ دسمبر ۱۸۲۱	ایضا زوجہ اس رشتہ دار افضل حسین خان تفصیلا تا دوام حیات	ماہ	الطاف
۱۳ اکتوبر ۱۸۳۶	خاندان سلطان محمود شہزادہ صفوی تا دوام حیات	جام	ضمیمہ
۴ می ۱۸۱۶	موسیٰ انعام اسعد خان رشتہ دار تفصیل حسن خان	ماہ	الف مال
۲۶ اپریل ۱۸۳۸	عبدالحکیم متعلقہ سد راج	مالیت	اسامی
۱۳ دسمبر ۱۸۲۶	مسماۃ بیگم سرا	ب	کامل
۱۶ جنوری ۱۸۱۸	عابدہ بیگم و رحمت النسا بیگم خاندان غنی حسین شاہ تفصیلا سند رجعی تا دوام حیات	ص	سال
۲۸ اگست ۱۸۲۲	شہزادہ مرزا محمد جہان شکوہ رشتہ دار بادشاہ شاہجہان آباد تا دوام حیات	لماہ	ضمیمہ

تاریخ احکام	وثیقه و مشاهره درجه اول در سعادت لکهنو	ماهواری	سالانه
	مورخه ۹ ستمبر ۱۸۳۱ مسوی رزیدنسی لکهنو		
	وثیقه که از دو صد روپیه سالانه رباوده اند		
	حیدر علیخان		
	فتحیاب خان دایمی	[illegible] ۱۳ر۷ پای	[illegible] ۳ر
	تفاصل مشاهره بابت لوندکه در سال	[illegible]	[illegible]
	سومی میشود جمع		
۵ جولای ۱۸۱۱	خاندان حافظ رحمت خان رباوندی عطیه		
	مشاهره از کورت اوڈ اند کبتر		
۲۶ می ۱۸۳۸	۲ جنوری ۱۸۱۸	[illegible] ۸ر	[illegible]
۷ ستمبر ۱۸۳۷	بعد وضع وصول از [illegible] وبقیه آن		
	در لکهنو داده میشود	[illegible] ۳ پای	[illegible] ۴ر
	محمد علیخان و فتحیاب خان دایما	[illegible] ۱۱ر۱۰ پای	[illegible] ۱۴ر
	حیدر علی و فتحیاب خان بلکهنو داده	[illegible] ۲ر۶ پای	[illegible] ۱۴ر
	میشود		
	محمد حکم سوم رستم علیخان	[illegible]	[illegible]
۱۷ اکتوبر ۱۸۴۳	یکصد و پنجاه روپیه ماهوار حسب [illegible] از		
	سپارش کرنل جان لو صاحب بهادر		
۵ مارچ ۱۸۴۹	سید اقبال الدوله تفضلاً وظیفه برای خاندان	[illegible]	[illegible]
	مختار الدوله وزیر اوده		

تاریخ	نام		
۱۲ ڈسمبر ۱۸۱۴	محمد رضا خاں وغیرہ اولاد اصغر علیخاں	[illegible]	[illegible]
	حسن علیخاں ولد احتشام حیدر بیگ خان	[illegible]	[illegible]
	متعلقان حسین علی خاں متوفی	[illegible]	[illegible]
	بابت قرضہ سوم		
	مردمانی کہ با نام بادشاہ بحیثیت اشرف	[illegible]	[illegible]
	متعلق اند دوامی		
	نواب مبارک محل صاحبہ	[illegible]	[illegible]
	سلطان مریم بیگم	[illegible]	[illegible]
۳ جون ۱۸۳۶	ممتاز محل	[illegible]	[illegible]
۳ ڈسمبر ۱۸۳۴	سرفراز محل	[illegible]	[illegible]
۱۲ ڈسمبر ۱۸۱۴	ملازمان و متعلقان مع اسامیہاے	[illegible]	[illegible]
	سرفراز محل		
۳۱ جنوری ۱۸۳۲			
۱۷ اگست ۱۸۲۵		[illegible]	
	متعلقان نواب معتمد الدولہ	[illegible]	[illegible]
	نواب بیگم خاص محل زوجہ نواب	[illegible]	[illegible]
	وزیر بیگم و عالیہ بیگم دختران نواب	[illegible]	[illegible]
	امین الدولہ بہادر بپسرش	[illegible]	[illegible]
	قرضہ پنجم		
	نواب ملکہ زمانیہ	[illegible]	[illegible]

۱	۲	۳	۴
۲۴ اپریل ۱۸۳۴	محمد حسن مدراسی	[illegible] ۳ر۹پای	[illegible] ۱۳ر
۲۶ مارچ ۱۸۳۷	میا محسن از بریلی	[illegible] ۱ر۹پای	[illegible] ۹ر
۵ ستمبر ۱۸۳۸	مرزا محمد مسیح از خزانه اکبرآباد	[illegible]	[illegible]
۱۲ اکتوبر ۱۸۲۶	خاندان ملا رام چوبدار متعلقه ملکه نوبا مادام حیات	[illegible] ۳ر	[illegible]
۱۳ ستمبر ۱۸۳۴	مولوی جمال الدین از مدراس مادام حیات بی بی ناصره وغیره	[illegible]	[illegible]
	سو وسلیم اسد و ... مولوی محمد اسمعیل متوفی مفتی از مدراس	[illegible] ۵ر۴پای	[illegible] ۸ر
۲ فروری ۱۸۴۳	مسماة واجده از بریلی مادام حیات	[illegible]	[illegible]
۱۵ ایضاً ۱۸۴۳	احمد رضا خان	[illegible]	[illegible]
	در حصه اول متعلقان شمس النساء بیگم نواب مهو صاحبه زوجه نواب آصف الدوله مرحوم	[illegible]	[illegible]
	خاندان مرزا علیخان نواب سالار جنگ	[illegible] ۱۳ر۹پای	[illegible] ۵ر
	مرزا قاسم علیخان متوفی که وثیقه‌اش به پسرش حسن علیخان داده میشود	[illegible]	[illegible]
۲ جنوری ۱۸۱۸	اکبر علیخان متوفی وثیقه‌اش باکرام النساء خانم دخترش داده میشود	[illegible]	[illegible]
۲ ستمبر ۱۸۴۳			

	مرزا خرم بخت بهادر و نواب امراو بهو صاحبه	[illegible]	[illegible]
	مرزا اعظم الشان نواب اصغر بهو	[illegible]	[illegible]
	مرزا محمد بخت بهادر	[illegible]	[illegible]
	مرزا رفیع الشان بهادر	[illegible]	[illegible]
	مرزا همایون بخت بهادر	[illegible]	[illegible]
	نواب وزیر بهو	[illegible]	[illegible]
شاہزادی ہا			
[illegible]	نواب سلطان عالیہ بیگم	[illegible]	[illegible]
	نواب سلطان قمرا بیگم	[illegible]	[illegible]
	نواب زینت النسا بیگم	[illegible]	[illegible]
	نواب گوهر آرا بیگم	[illegible]	[illegible]
	نواب سلطان بیگم	[illegible]	[illegible]
	نواب خیر النسا بیگم	[illegible]	[illegible]
	نواب زیب النسا بیگم	[illegible]	[illegible]
اسما بتفصیل ذیل			
متفرقات بیگمات	نوباقی خانم	[illegible]	[illegible]
	نوبهار	[illegible]	[illegible]
	حمیدہ خانم	[illegible]	[illegible]
	پیاری خانم	[illegible]	[illegible]
	وفاقی خانم	[illegible]	[illegible]

تاریخ	تفصیل			
۲۳ ۱۸۳۱	محدره علیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
غره مارچ ۱۸۲۲	تاج محل	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۸ مئی ۱۸۲۹	سلطان عالیه دختر ملکه زمانیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	فرقه ششم			
۲۳ اپریل ۱۸۲۳	برای خیرات غربای لکهنو دائمی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۸ مئی ۱۸۲۹	وثیقه بهو بیگم صاحبه فیض آبادی وادنی لکهنو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲ نومبر ۱۸۲۷	برای بریهم مقبره بیگم صاحبه و مجلس محرم وغیره	لا ۵ روپیه ۵ ر ۴ پائی	[illegible]	[illegible]
	وثیقه حضرت فردوس منزل محمد علی شاه بادشاه			
صاحبان محل				
۷ اسم	ملکه جهان مخدرالزمانی سلطان آرا بیگم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	نواب حضور خانم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	نواب امیر خانم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	نواب امراو خانم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	نواب وزیر خانم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	نواب نوروزی خانم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شهزادگان محلات السلطان				

جمع کل اہل و مالی	جناب عالیہ متعالیہ نواب معصوم محل متعلقہ و دفتر سفارت ریذیڈنسی	لاکھ روپیہ ۵ ر ۴ پائی [illegible] ۱ ر ۲ پائی [illegible] لاکھ روپیہ یک لک ۱۲ ر ۹ پائی	[illegible] [illegible] [illegible] لاکھ روپیہ /۹
لکھنؤ			

	کلچہرہ	بیست	[illegible]
	شرف الدولہ محمد ابراہیم خان	[illegible]	[illegible]
	عظیم اللہ خان	[illegible] ار ۳ پای	[illegible]
	ودیعت نام متعلقان حضرت اقدس و اعلیٰ خلد اللہ ملکہ و سلطنتہ		
دفعہ کواعد نوٹ علاوہ ملک قیصد	نواب معصوم محل ملکہ کشور	[illegible]	[illegible]
	نواب خسرو بیگم	[illegible]	[illegible]
	مرزا محمد جواد علی حسن صاحب بہادر	[illegible]	[illegible]
	نواب امین الدولہ امداد حسین خان بہادر	[illegible]	[illegible]
	سیف الدولہ سید عباس علیخان بہادر	[illegible]	[illegible]
	جعفر مہو	[illegible]	[illegible]
	نواب تاجدار مہو	[illegible]	[illegible]
	مہو بیگم	[illegible]	[illegible]
	سید محمد میر	[illegible]	[illegible]
	حسن علیخان	[illegible]	[illegible]
نوٹ دفعہ دوم کواعد ملک	نواب تاج آرا بیگم	[illegible] ۵ ر ۳ پائی	[illegible]

ملکه موصوفه با عموزاده خود شهزاده البرت دهم ماه فروری سنه ۱۸۴۰ عیسوی کتخدائی کرده و بتاریخ ۲۱ نومبر سنه مذکور شهزادی اطین دختری متولد گردید
و شهزاده پرنس آف ویلس ۹ نومبر سنه ۱۸۴۱ عیسوی و یک شهزادی دیگر متولد گردیده و موافق قانون انگلیسیه درصورت عدم پسر وراثت سلطنت به دختر میرسد
جائزه برای ذات ملکه سالانه یک کرور روپیه و برای شهزاده البرت سه لک روپیه سالانه مقرر است

فوج سوار و پیدل و توپخانه در مجموع هندوستان یعنی در احاطهٔ بنگاله و مدراج و بمبئی [illegible] لکان
نفوس

آمدنی دار الحکومت بنگاله فی سال	۸۴۲۹۹۹۶
ایضاً آمدنی آگره	۵۱۱۰۴۴۱
ایضاً آمدنی مدراج	۵۱۵۲۹۲۷۹
ایضاً بمبئی	۹۹۲۴۳۳۶۱
جمع کل هر چهار	۲۱۳۱۸۲۱

گورنر جنرل کلکته سر هنری هاردنگ

خلاصہ حال سلطنت لندن								
اسماء ملوک	سنہ پیدائش	شروع سلطنت		مدت سلطنت			انتقال	
		ماہ	سنہ	ماہ	سال	تاریخ	ماہ	سنہ
شہزادی این	۱۶۶۵	۸ مارچ	۱۷۰۲	۵	۱۲	عشرہ	اگست	۱۷۱۴
جارج اول	۱۶۶	عرہ اگست	۱۷۱۴	۱	۱۲	۱۱	جون	۱۷۲۷
جارج دوم	۱۶۸۳	۱۱ جون	۱۷۲۷	۴	۳۳	۲۵	اکتوبر	۱۷۶۰
جارج سوم	۱۷۳۸	۲۵ اکتوبر	۱۷۶۰	۳	۵۹	۲۹	جنوری	۱۸۲۱
جارج چہارم	۱۷۶۲	۲۵ جنوری	۱۸۲۱	۵	۱	۲۴	جون	۱۸۳۱
ولیم چہارم	۱۷۶۵	۲۶ جون	۱۸۳۱	۱۱	۵	۲۰	جون	۱۸۳۷
ملکہ وکٹوریہ	۱۸۱۹	۲ جون	۱۸۳۶					

مجموع آمدنی ۰۰۰۰۵۵۱۶۲۰ ۱ ۶ دام

والحال از سنه ۱۸۱۴ عیسوی مطابق سنه ۱۲۳۳ هجری

تمام ملک سمت شمالی دریای جمن و مقاماتیکه گرد

شهر هستند و بسیاری مقام شمال شرقی

در تحت حکومت سرکار کمپنی است و مقامات

جنوب غربی متعلق روسای متوسلین سرکار

موصوف مثل ماچهری راجه الور و راجه

بهرت پور و دیگر ریاستهای حکام که بالفعل

خود مختار یا باطاعت حکومت سرکار و ملک

شمال غربی دریای جمن و جنوب دریای

ستلج متعلق سرداران سکهه و دیگر امرا

بوجاهت عزت ایشان کوتا تابع و عاقون

مداخلت دشمن سرکار اند و ماسوای این

موج لطامت هم در لدهیانه می باشد و

درین صوبه ضلع بریلی قدیم ملک روهیلکهند

شامل است و دیگر شهرهای خاص پیلی

بهیت سهارنپور بریلی الوب بهر میرٹ

حصار سرسه پتیاله مداوتن و ضلع چال

کمون که قریب ۴۰ میل در طول و همچنین

در عرض که بالفعل متعلق سرکار است

	جاری بود و بعد از آن بالکل خشک گردیده بود و در عرض یوزده تا سه میل در طول بود و اکثر حاصل های کوچک نصب بود ولاکن در سنه ۱۸۱۰ عیسوی مطابق سنه ۱۲۲۵ هجری از سرکار کمپنی بار صاف و درست کردند که تا حال یک چشمه فیض جاری است و شهر و اطراف آن سرسبز و شاداب میماند و آب شیرین باهل شهر میرسد عرض بلد شمالی ۲۸° ۳۸' طول شرقی ۷۷° ۹' فاصله از شهر کلکته ۶۷۹ میل است راجه های دهلی را موجب اهل اسلام من ابتدای سنه ۸ عیسوی و سنه ۱۰۱۱ عیسوی مطابق سنه ۴۰۱ هجری ضبط تحریر نموده اند که این شهر را سلطان محمود غزنوی گرفت و غارت نمود ولاکن باز راجه را بیک چند بر سیاق واگذاشت		
	قطب الدین غلام محمود غوری از بنده گرفت و از بنجا سلسله ریاست افغان شروع کردند و سلطنت ایشان تا لشکرکشی باتر امیر تیمور لنگ برقرار ماند و این بادشاه بادشاه شمالی هندوستان را تا بربادی سلطنت	۱۱۹۳	۵۸۹

وسکنه آنجا خوبصورت و در دور آور و مابین هنود و
واهل اسلام و سکهه و غیره مخلوط و قدیم دلی
قریب ۲ میل در دور بود که الحال از خرابه
اش نقش قدر ظاهر میشود و دلی جدید شاهجهان‌آباد
که شاه جهان در سنه ۱۶۳۱ عیسوی مطابق سنه ۱۰۴۱
هجری بنا کرده جانب کنار غربی دریای جمن
واقع است و هفت میل در دور که محیط
شهرپناه است و هفت دروازه عالیشان
از سنگ دارد و مابین شهر جاهای عالیشان
امرا و سلاطین است و جامع مسجد و مسجد
نواب روشن الدوله و درین زمانه جابجا
عمارتهای بسیار پخته و خوب تعمیر یافته
هرچند که تمامی بازارهای شهر سوای دو بازار
بسیار تنگ هستند و دارالاماره در جانب
کنار غربی واقع است و از هر سه جانب
دیوار سنگ سرخ دارد و دوره آن
یکمیل است و در سلطنت جهانگیر نواب
علیمردان خان از دریای جمن بفاصله
صد میل نهری کنده بالای شهر مذکور
آورده که تا زمان مداخلت افغان و ایران

هجری	عیسوی		
		ودر سنه ۱۳۹۸ عیسوی مطابق سنه ۸۰۱ هجری تیمور لنگ بوده دلی را غارت کرد و در سنه ۱۴۱۳ عیسوی مطابق سنه ۸۱۶ هجری سلطنت افغان با تمام رسید و در سنه ۱۴۱۴ عیسوی مطابق سنه ۸۱۷ هجری تیمور لنگ در سنه هفتاد و تکم استقلال نمود	
۸۱۶	۱۴۱۳	دولت خان لودی	
۸۱۷	۱۴۱۴	خضر خان	
۸۲۴	۱۴۲۱	مبارک شاه	
۸۳۶	۱۴۲۳	محمود شاه ثانی	
۸۵	۱۴۴۶	علاء الدین ثانی	
۸۵۴	۱۴۵	بلول لودی در این هرد و سلطنت سند و پنجاب بر ما سپها منقسم کرد و حکام دکن و گجرات و مالوه و جونپور و بنگاله خود را بنام بادشاه نامیدند و صوبجات دیگر بدست مختلف امرا و حکام افتاد و که ظاهر بدعت از راه سرکشی اطاعت بادشاه ولی میکردند	
۸۹۴	۱۴۸۸	سکندر لودی	
۹۲۲	۱۵۱۶	ابراهیم لودی و همین بادشاه در سنه ۱۵۲۶ عیسوی مطابق سنه ۹۳۲ هجری از سلطان بابر	

	چنگیزخان ہلاکو مغل بسدی سید او		
۶ ۷	تاج الدین تست	۱۲ ۱	
	آرام شاه	۱۲۱۰	
	شمس الدین التمش	۱۲۱۰	
۶۳۳	فیروز شاه	۱۲۳۵	
	ملک دوران سلطان رضیه	۱۲۳۵	
۶۳۷	بهرام شاه	۱۲۳۹	
۶ ۴	علاؤالدین مسعود شاه	۱۲۴۲	
۶۴۴	ناصرالدین	۱۲۴۴	
۶۶۴	غیاث الدین بلبن	۱۲۶۵	
۶۸۵	کیقباد	۱۲۸۶	
۶۸۸	فیروزشاه خلجی	۱۲۸۹	
۶۹۵	سکندر ثانی	۱۲۹۵	
۷۱۶	شهاب الدین عمر	۱۳۱۶	
۷۱۷	مبارک شاه	۱۳۱۷	
۷۲۱	تغلق شاه	۱۳۲۱	
۷۲۵	سلطان محمود	۱۳۲۴	
۷۵۲	فیروزشاه ثانی	۱۳۵۱	
۷۹۲	ابوبکر شاه	۱۳۸۹	
۷۹۶	ناصرالدین محمود شاه و درین زمان تیمور	۱۳۹۳	

۱۳۹۹

		اعظم شاه شهید	چند ماه
	١٧٠٧	ابوالمظفر قطب الدین بهادر شاه ٢٣ فروری	٦
١١٢٤	١٧١٣	معز الدین جهاندار شاه ١ جنوری از سلطنت خارج کرده شد	چند ماه
١١٣١	١٧١٩	محمد فرخ سیر شهید ١١ جنوری مقتول کرده	٧
١١٣١	١٧١٩	رفیع الدرجات شمس الدین ابوالبرکت ٨ جنوری طفیلی بود	٤ ماه
١١٣١	١٧١٩	رفیع الدوله شاه جهان ثانی ٢٦ اپریل طفیلی بود	٣ ماه
١١٣٢	١٧٢	ابوالفتح ناصر الدین محمد شاه ١٤ اکتوبر و در ١٧٣٥ عیسوی مرهٹه ها القدر یورش و ترقی کردند که بهر شاه دلی راسو رانده و نادر شاه نهم ماه مارچ ١٧٣٩ عیسوی مطابق ١١٥٢ هجری داخل شهر دلی کردید و چهارم اپریل بعد قتل و غارت اموال کثیر بولایت خود برگشت	٣
١١٦١	١٧٤٩	ابوالنصر احمد شاه ٢ اپریل	٦
	١٧٥٣	خارج از سلطنت و کور کرده شد	

		شکست خورده و بابر در همان سال دلی را متصرف خود در آورده و بنای سلطنت مغلیه گردید	
٩٣٢	١٥٢٥	ظهیر الدین محمد بابر بهم حقوق بر تخت سلطنت نشست	٣٧
	١٥٣	نصیر الدین محمد همایون ٢٨ جنوری	
٩٣٨	١٥٣١	از شیر شاه شکست خورد	٢٥
٩٦٣	١٥٥٦	ابو الفتح جلال الدین محمد اکبر ١٤ فروری	٤٩
٩٤٩	١٥٤٢	در امرکوت متولد گردیده و در شهر مذکور بهنشاه و در اکبر آباد	
١٠١٤	١٦٠٥	انتقال نموده و میان بادشاهان مغلیه و اعاظم بادشاه موصوف از همه بزرگتر بوده و وزیرش ابو الفضل که در سنه چهل و هفت سالگی از دست راهزنی به قتل رسید	
١٠١٤	١٦٠٥	ابو المظفر نور الدین محمد جهانگیر ١٧ اکتوبر	٢٣
١٠٣٧	١٦٣٨	شهاب الدین محمد شاه جهان غازی	٣١
١٠٦٨	١٦٥٨	ابو المظفر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر ٢٤ فروری	٥٥
١١١٩	١٧٠٧	٢١ فروری انتقال نمود	
١١٢٤	١٧١٢	شاه عالم پسر بزرگش از زهر هلاک گردید	

اعظم شاه —

۱۲۲۱	۱۸۰۶	انتقال نمود شاه موصوف	
۱۲۲۱	۱۸۰۶	ابوالناصر معین الدین محمد اکبر شاه اکبر ثانی	۳۴
		۳ دسمبر	
۱۲۵۷	۱۸۳۷	ابوالمظفر بهادر شاه ثانی بر تخت سلطنت نشست	۳۳۷

بادشاهی کابل

مابین هندوستان و ایران ملک عظیمی
دارد و مملکت بسیار وسیع است تقریباً
طول از شرق تا غرب ۰ ۱ میل
و عرض از شمال تا جنوب تقریباً ۵ ۷
میل دارد که مربع میل ۰۴۰ ۹ ۴۰۰
می‌شود و سکنه یک کرور و چهل لک و هم
تقریباً شد جانب جنوب او سمندر محیط و جانب
هندوستان جانب شرق و ایران جانب
غرب و ملک تاتار محکوم ظرف شمال
و اضلاع آن بلخ و کابل و قندهار و
سیستان و پاره‌ای از خراسان و بلوچستان

ملاحظات	واقعات	سنه عیسوی	سنه هجری
	عزیز الدین عالمگیر ثانی ۲۹ نومبر	١٧٥٩	١١٧٣
حسب ماه	بقتل رسید و در همان سال احمد شاه ابدالی داخل دلی گردید	١٧٥٩	
	شاه جهان از سلطنت خارج گردید	٩ ١٧٥٩	١١٧٣
۴۸	جلال الدین مرزا عبدالله علی گوهر شاه عالم ثانی	انتخاب؟	
	از شهر آله اباد از محافظت سرکار کمپنی بشهر دلی داخل گردیدند	١٧٧١	١١٨٥
	از دست غلام قادر روهیله کور گردیدند و این شخص بسیاری از خاندان تیموریه را غارت و سخت و بقتل رسانید و بعد چند ماه از سبب اعانت مهاجی سندهیه به بدترین سختی ها بعد بشهر شهره و دیگر صعوبات بقتل رسید	١٧٨٨	١٢٠٣
	بعد سبب مذکور تصرف مرهته ماند که دران زمان جرنیل لیک صاحب از استمر بفاصله شش میل از شهر فوج دولت راو سیندهیه را شکست داده روز دوم داخل شهر گردیدند از ان زمان تا حال صوبه مذکور ماتحت سرکار کمپنی است اگرچه نام سلطنت تیموریه قایم است	١٧ ٦	١١٨۴

سر علی هذا القیاس از اکثر اقسام میوه و مار و
کژدم بسیار دارد و در بامهکها نیست
لاکن چند تا اقسام ماهی و بعضی کوههای
سطح بلندترین ولایت [illegible] ۲ فیت مربع
ملکه این سهم زیاده و دشت ریگستان
بلوچستان ۳۰۰ میل در طول و عرض ۲۰۰ میل
دارد و میان دریاهای انجا دریای اتک بسیار
بزرگ است رعایای کابل مختلف الاقوام اند
بعضی پادشاه خود را قبول میکنند و بعضی
فقط نام رعایای پادشاه خود هستند و میان
اینها افغان و بلوچ و تاتار و ایرانی و تاجیک و
هند و بعضی دیگر اقوام هست و هفت
اضلاع دارد که برای هریک حاکمی علیحده دارد
و آن ملک که از حاصلات تر و [illegible]
بست لک روپیه است حاکم وقت انیه
دوست محمد خان

و ماره تکرار وسطح زمین این اضلاع
مختلف الاوضاع اکثر کوهها و دشت ها حائل
گهاتی های سرسراست و درین گهاتی ها
که آب نجوبی میرسد رنگ و طلعت سدایش
هر چیز دار و آب و هوا بر سماء مختلف
بودن سطح مختلف زمین بعض جا اکثر سرد
و بعض جا بهاست گرم و میوجات و بقولات
ولایتی و هندوستانی هر دو درین ولایت
جا بجا به دو جوت میشود پیدا میوه و برنج و
گندم خاص غذای مردم و جو مخصوص از کـ
اسپان و درخت رنڈی و غیره و درخت
هر اقسام دار و طلا و نقره و یاقوت و رسول
و لاجورد میگویند که در افغانستان پیدا
میشود و ارزن قفل سرب و آهن و سنگ سرمه
و گوگرد و کوه نمک و شوره و پهتکری و
سنگهای پیدا میشود و دیگر حیوانات مثل
بزکاو و بز خاص و ولت سکه اینجاست و
ازین ولایت گربه که بسیار پشم طولانی دارد
می آرند و حیوانات درنده مثل شیر و گرگ
و سیاه گوش و سگ وغیره و جانوران دید

		ترک سلطنت کرده بود	
۱۱۳۷	۱۷۲۵	محمود از قوم افغان صاحب سلطنت ایران گردید	۲
۱۱۴۲	۱۷۳۰	اشرف از قوم افغان از نادر شکست خورد	۵
۱۱۴۵	۱۷۳۲	شاه طهماسب را نظر به تفویض سلطنت کرده بود در سنه ۱۷۳۷ کشته شد	۳
۱۱۴۸	۱۷۳۶	عباس ثالث بن طهماسب	۱۲
۱۱۶	۱۷۴۷	نادرشاه پادشاه سلطان او غای پادشاه بود	۱
۱۱۶۱	۱۷۴۷	عادل شاه برادرزاده و قاتل نادرشاه	۲
۱۱۶۳	۱۷۴۸	ابراهیم برادرش	
۱۱۶۳	۱۷۴۹	شاهرخ میرزا کور شد و طرف خراسان در رسید	چند ماه
۱۱۶۳	۱۷۵۰	سلیمان نامبرادر سید محمد	چند ماه
۱۱۶۳	۱۷۵۰	اسمعیل بن سید مصطفی چون طفل بود علیمردان فرمان فرمای او بود	۱
۱۱۶۳	۱۷۵۹	محمد کریم خان زندی صاحب اختیار گردید اگرچه بخطاب وکیل شهره است	۳
۱۱۹۳	۱۷۷۹	زکی خان بعد وفات عمش سلطنت نمود	چند ماه

سلطنت ایران از صفویه

سنه هجری	سنه عیسوی	اولاد صفی الدین که صفویه صوفی ملقب با صفویه هست کشف بود از آذربایجان نسبت جهانشاه حاکم ترکمان بدر شده و به تبریز خود را قرار داد و پسر پدر او	مدت سلطنت مطابق سنه هجریه
۹۰۵	۱۴۹۹	اسمعیل الصفوی بن شیخ حیدر اصلاع مفتوحه را باهم کرده و در سنه ۹۰۶ هجری مطابق سنه ۱۵۰۰ عیسوی پادشاهی ایران و خراسان را گرفت	۲۴
۹۳۲	۱۵۲۵	شاه طهماسب بن اسمعیل	۵۱
۹۸۳	۱۵۷۵	شاه اسمعیل ثانی بن طهماسب	۲
۹۸۵	۱۵۷۶	محمد خدابنده بن طهماسب	۹
۹۹۴	۱۵۸۵	حمزه بن محمد یا امیر حمزه	چند ماه
۹۹۴	۱۵۸۵	شاه اسمعیل بن محمد	چند ماه
۹۹۴	۱۵۸۵	شاه عباس بن محمد	۴۰
۱۰۳۹	۱۶۲۹	شاه صفی بن صفی میرزا بن عباس	۱۳
۱۰۵۲	۱۶۴۲	شاه عباس ثانی بن شاه صفی	۲۵
۱۰۷۷	۱۶۶۶	سلیمان بن شاه عباس	۲۹
۱۱۰۶	۱۶۹۴	شاه حسین بن سلیمان تقیه اولاد صفی	۲۹
۱۱۳۵	۱۷۲۲	شاه طهماسب ثانی بن شاه حسین که خود	۲

شمالی و مابین ۶۴ و ۲۶ درجه طول بلد
شرقی در طول از شرق
مساحت تقریباً ۹ میل و ۱۰ ۸ در عرض و
مربع کسری ۰۰ ۰۰۰ و سکنه مردم ۱۲ ملیون
ی و ۵ لک میو و
و جانب شمال اصلاع متعلقات روسیه
و بحر خزر و ملک غیر حکومت تاتار جانب
شرق کابل و بلوچستان جانب جنوب
بحر هند و دریای عمان و جانب غرب
ملک ترکستان و عرب

ملک خاص	شهرهای خاص
آذربایجان	تبریز
گیلان	رشت
مازندران	ساری
استرآباد	استرآباد
خراسان	مشهد
عراق	اصفهان طهران
کوهستان	شوشتر
فارس	شیراز
کرمان	کرمان

		وکشته شد است	
۱۱۹۳	۱۷۷۹	ابوالفتح خان پسر کریم خان وکور کرده شد	
۱۱۹۳	۱۷۷۹	صادق خان برادر کریم خان	۶ م
		علی مراد خان خطاب وکیل را به خود	
		قرار داد	
۱۱۹۹	۱۷۸۵	جعفر خان پسر صادق خان بقتل رسید	۴
۱۲۰۳	۱۷۸۹	لطف علی پسرش شکست خورد	۶
۱۲۰۹	۱۷۹۴	آغا محمد خان قاجار خواجه سرا	۲ سال
۱۲۱۱	۱۷۹۷	فتح علی شاه در سنه ۱۸۳۴ بسوی انتقال	۴ سال
		پس از سی وشش سالگی جلوس سلطانی	
		سنه ۱۲۵۰ هجری ۱۹ رجب روز پنجشنبه فوت	
		شد بمقام اصفهان بعد از آن مدفون	
		معصومه قم گردید عباس میرزا و محمد علی میرزا	
		روبروی شاه وفات کرده بودند	
		از این باعث	
		محمد شاه اکبر اولاد عباس میرزا پس سبب	
		چهار سالگی جلوس سلطنت نمود هرچند که	
		علی شاه ظل سلطان عموی شاه چند ماه	
		در طهران تخت نشین هم گردیده بود جدود	
		ایران مابین ۲۶ و ۳۹ درجه عرض بلد	

خاص شهر سپاه است که در آن دار الاماره
واقع است و هرگاه شاه بدار الاماره میاید
هشتاد نفر از مردم در آن میباشند لیکن در
گرما که سلطانیه شاه میرود و مردم بسیار
همراه رکاب شاه میروند در آن وقت سکنه
شهر بیست هزار و ولیکن مردم میمانند عرض بلد
شمالی طهران ۳۵° ۴' طول بلد شرقی
۵۲° ۵' ۹

مردم ایران خوش مزاج و صاحب اخلاق
و محرور المزاج و مهمان نواز و پاک معاش و
جوانمرد و صاحب فهم و ادراک و حاضر
ذهن اکثر ملاها و مردم کاهل می باشند
لیکن خوش آمد طلب و ظاهر دار و ساعی
حکومت استبداد پادشاه است و رجال ایران
بسیار شریر و در ایران مردم قابل را بسیار
دوست میدارند و مردم ایران اکثر اسباب
تجارت را طرف ترکستان و هند و شمال
از راه سمرقند می آرند مثل قالی و پوست
و ابریشم و نمد و مروارید و ادویه و غیره
و صنعت ایشان قالی و ابریشم و کمخاب و

آب و هوای ایران در بعضی بسیار سردسیر
و ساوات و مقامات جنوبی بسیار گرم
و شمالی بسیار سرد و لیکن مجموع ملک ما خوشی
دارد و صحراها و قطعه کوهی آب داده میشود
نهایت سرسبز میشود و برنج و گندم و جو و پنبه
و نیل و تنباکو و افیون و یاقوت و دیگر
نباتات و غیره و تمام اقسام میوه جات
در همه جا پیدا میشود و حیوانات بسیار
اند مثل اسب و سگ که شمار عمده و جوب
میشود و خرها و شترها بسیار مستعمل است
حشرات الارض در زمین مرطوب کثرت
و نقره و سرب و عاج و مس و سنگ مرمر
از بسیار مقامات پیدا میشود و میگویند که فیروزه
مخصوص در ایران میشود و این ملک بسبب
نفت بسیار مشهور است و او دو قسم میشود
سیاه و سفید و در دریای عمان نیز وارید خو
یافته میشود و خاص دار الامارت شهر طهران
است که محیط شهر بیاده قریب ۵ میل از دور
دارد و شش دروازه بزرگ و چاههای پخته
دوازده هزار در تعداد است و عمارت

ولوبان وسنبل الطیب و دیگر چیزها از اقسام
عمده پیدا میشود و گندم و جوار و جو و دیگر اقسام
غله و نیشکر و تنباکو و پیله و اکثر میوه جات
ولایتی یعنی معتدل و حاره زود کرده میشود
و استر و اسب خوب میشود که بکار آنها می آید
و در تمام عالم بهتر از اینجا اسب نمیشود و دریاهای
بزرگ فرات و دجله و دیگر شهرهای حاصل
مکه مدینه جده مخا و محیط مکه معظمه دشت و
کوه هاست که در آن باغ و درخت و بیشه
سرسبز نیست و آب شیرین از فاصله بیست
میل می آرند لیکن شهرهای اندرونی بسیار
خوشنما و نجیب و در میان شهرهای شرقی
بازارهای عریض و جاده ها از سنگ خوشنما
معلوم میشوند و دروازه های بزرگ بزرگ تکیه
و سکه نقره شاه ۲۰ تا ۳ و نقره ۳
اهل حبش و غلام عرض بلد شمالی مکه معظمه
۲۱ ۲۸ طول بلد شرقی ۴۰ ۱۵ عرب
متوسط الحالت و گندم کوه و باغ دار
واکثری آنها در خیمه یا چادرها می مانند
و خوشناس نیکو بود و لباس اوشان

سه وسال و آلات حرب و شمشیر است

عربستان

عربستان مابین ۱۲ و ۳۴ درجه عرض بلد شمالی
و ۳۴ و ۵۹ درجه طول بلد شرقی است طول
تقریباً ۱۴۰۰ میل از شمال بجنوب و
۲۰۰ میل در عرض جانب شمال ملک
ترکستان است و دریای عمان و غیره حد
شرقی اوست و باقی کناره شرقی و کناره
جنوبی محدود دو سمت بحر هندوستان است
و خلیج عربستان یا بحر احمر که بحر کبیرش می‌نامند
حد غربی است و ملک تقسیم حال حجاز یمن
حضرموت محال لحسا یا حجر و نجد است
ملک اندرونی دشت و ریگستان
است که در انجا بعض مقامات سرسبز و
کوههای در از بقاع متوسط اگرچه در کوهها
آب و هوا با اعتدال لکن در صحرا و دشت
گرم است و ملکها که جانب کنار سمندر
اند پیدایش هر چیز نتیجه و میوه و صمغ عربی

مطابق سنه ۱۱۶۰ هجری دارالامارت بنگاله گردید

۱ وقتیکه نواب جعفر علیخان بهادر ناظر بنگاله را که

در انجا بود پاس اعتبار نمود و دولت موصوف

مالی ساختن این دارالامارت از شکم مرشدی

متولد گردید و در حالت حکمی جریده شده و در

ایران ماکی ارباب اسلام تعلیم و تربیت یافت

۲ در زمان اورنگ زیب عالمگیر بصوبه داری

بنگاله مامور شد و بعد از [illegible] مذکور بسعی

اعانت جگت سیته مهاجن عهده صوبه داری

خود را خرید و علاوه آن دو صوبه داران را

که از شهر شاهجهان آباد از حضور بادشاه

برای مقابله و تخریبش آمده بودند شکست داد

آخر در سنه ۱۷۲۵ عیسوی مطابق سنه ۱۱۳۸ هجری

انتقال نمود و خویش او

۲ شجاع الدوله بر مسند ریاست نشست و

در سنه ۱۷۳۹ عیسوی مطابق سنه ۱۱۵۲ هجری انتقال

نمود و بعد از آن پسرش

۳ علاء الدوله سرفراز خان بر مسند ریاست

نشست لیکن بعد ریاست یکسال و دو ماه

از حکومت خارج کرده گشته شد از

موقوف بر کله نزدیس در عمارت تکریسے
کاروان است و جوامع و بهسوار و مردم
کبی و مهمان نوار بهر تعیین بر قوم حاکم
قوم خودی باشد باشل پدر برخانه خودمیاید
و مردم در اعدا و اقوام منقسم اند که بزرگ آنها
شیخ و شریف و خلیفه و امیر و امام گفته میشود
سابق ازین اہل عرب بسیار قابل و صاحب علم
می بودند اکنون حسان طریق تعلیم و تلقین
را فراموش نموده اند که اکثر آنها سواد نوشت
و خواند ندارند

حال ریاست مرشدآباد

مرشدآباد که سابق مقصود آباد گفته می شد
شهر بزرگ ضلع صوبه بنگاله است عرض بلد
شمالی ۲۴° ۱۱' طول بلد شرقی ۸۸° ۱۵'
جانب شمال با ضلاع مالده و سهاکل پور
محدود و جانب جنوب کشن گڈھ و بردوان
و جانب شرق راج شاهی و جانب غرب
زنت پوم و بردوان و رشتہ عیسوی

مطابق

میر قاسم علیخان عالیجاه متسلط گردیدند و سکونت که این شخص بسیار صاحب لیاقت و چالاک برای ریاست بود ولیکن قوم انگلیسیه ایشان را معزول کردند و فرار.	۷
میر محمد جعفرخان را متسلط گردانیدند و میر قاسم علیخان با قوم انگلیسیه مقاتله نمود و آخر از دست میجر آدم صاحب شکست خورد و از اینجا گریخته بخدمت شجاع الدوله در رفت و پناه گرفت میر جعفرخان بعد ریاست یکسال در سنه ۱۷۶۴ عیسوی مطابق سنه ۱۱۷۸ هجری انتقال نمود و پسرش	۸
نجم الدوله بر ریاست نشست بسن بست سالگی و بست ماسبق جو و قدرت و اقتدارش کم گردید آخر بسبب عارضه چیچک در سنه ۱۷۶۶ عیسوی مطابق سنه ۱۱۸۰ هجری انتقال نمود برادرش	۹
سیف الدوله نشست و او در سنه ۱۷۶۹ عیسوی مطابق سنه ۱۱۸۳ هجری انتقال نمود که دران سال قحط و وبای عظیم عالمگیر بود بعد از آن برادرش	۱۰
مبارک الدوله نشست و در سنه ۱۷۹۳ عیسوی مطابق سنه ۱۲۰۷ هجری انتقال نمود و پسرش	۱۱
نظام الملک تاریخ ۲۸ ماه اپریل در سنه ۱۸۱۰ عیسوی	۱۲

۴	الهوردی خان خان مذکور که یکی از افسران اعیان در فن سپاهگری یگانه و عصامی بود جایش عظیم آباد بود و بعد ریاست سیاست صوبه در ۱۷۵۶ عیسوی مطابق ۱۱۷۰ هجری انتقال نمود و بعد ازان پسرش	
۵	غلام حسن خان سراج الدوله که بسیار شریر ظالم و نالایق بود نشست و بعد انقضای دو ماه از ریاست خود بر کلکته حمله آورده و گرفت و یکصد و چهل و شش نفر قوم انگلیسیه را از ذکور و اناث در حجره تاریک که در وسعت مربع ۱۸ فیت بود قید کرد و آخر سال دیگر در مقام پلاسی از کرنیل کلیو شکست خورد و در نیز از دست میران پسر ... خود کشته شد بعد ازان	
۶	میر محمد جعفر خان که در فوج سپاه سالار نام آور بود و وزیر از عدم لیاقت و ظلم و جور خود در ۱۷۶۰ عیسوی مطابق ۱۱۷۴ هجری از ریاست خارج گردید و دامادش	

قدیم دار الامارت بنگاله بود و آو ده بودند
و دار الامارت نو تعمیر که در زمان همایون جاه
در اهتمام کرنیل مکلود صاحب انجنیر باتمام رسیده
و قریب بست لک روپیه صرف گردیده بسیار
تحفه و خوش وسعت آن شهر بهر دو جانب
دریای بهاگیرتی تا دریای قاسم بازار هشت
میل است که از کلکته فاصله ۲۴ میل دارد و گاهی
در ینجا قلعه بود و لیکن در سنه ۱۷۴۲ عیسوی بسبب
یورش مرهته بنای شهر پناه گردیده بود و آنجا
مقام تجارت بزرگ است و دریا همیشه از کشتیها
مملو میباشد و بسبب مقامات دیگر کرم ریشم
و تافته وغیره برای تجارت پیدا می شود و
در حوالی این صوبه بسیار سرسبز و آباد و
مروج و سوای ریاست حکام مذکور الحال
چند اضلاع مونگیر و بهاگلپور و پورنیه و دیناجپور
و رنگپور و راج شاهی و بیربهوم و حاص
مرشد آباد که هفت مقام هستند

شماره	بیان
	مطابق ۱۲۳۵ هجری انتقال نمود پسر کلان او
۱۳	سید زین الدین علیخان پسر متبنی و سابق که بر مسند نشست و تاریخ ششم اگست [illegible] عیسوی مطابق [illegible] هجری انتقال نمود و بعد از آن برادرش
۱۴	سید احمد علیخان والاجاه نشست بعد از آن پسرش
۱۵	همایون جاه که در ۱۸۳۸ عیسوی مطابق ۱۲۵۴ هجری انتقال نمود بعد از آن پسرش
۱۶	منتظم الملک محسن الدوله مدون جاه سید منصور علیخان بهادر نصرت جنگ که بالفعل حاکم ریاست اند و لیکن چهارده سالگی سالانه خاندان نظامت که سابق بست و چهار لک روپیه بود لیکن بعد وضع تا سه ده لک روپیه که بابت فوج وغیره در [illegible] عیسوی کرده بود و از آن جمله سه لک برای خاندان نظامت و باقی بهبت حفظ برای ذوات نائب ناظم مقرر است و در عهد ریاست او دولتخانه نبای دارالاماره [illegible] بار یکم مد کرده که باستون های سنگ موسی آراسته شده که از مقام عبور که

[illegible]

ناصر جنگ صلابت جنگ نظام علی صولت جنگ
مغل علیخان چنانچه ناصر جنگ وقت انتقال پدر
خود در برهانپور بود بر مسند نشست
مقتول گردید — ۱۷۵۰
مظفر جنگ پسر دختر نظام الملک بر ریاست نشست
او هم بقتل رسید — ۱۷ ۵
صلابت جنگ بسبب اغوای اهل فرانس ادعای
ریاست نمود و تا سنه ۱۷۶۱ مطابق سنه هجری حاکم
ماند پس از آنکه او هم مقید شد و در سنه ۱۷۶۲ مطابق سنه
هجری نظام علیخان برادرش او را کشت و خود
ریاست را گرفت و تا سنه ۱۸۰۳ حاکم ماند
پس از آنکه انتقال نمود پسر بزرگش میر اسکندر جاه
بر مسند ریاست نشست
بعد انتقال نظام الملک خود و این صوبه اکثر منتظم
مانده روبه تنزل آورده و اگر اعانت از سرکار
کمپنی نمی شد از دست مرهته زیاده تر خراب
و برباد میشد لیکن بتاریخ دوازدهم اکتوبر سنه ۱۸۰۰
مطابق سنه هجری سال و موافقتی سرکار کمپنی
گردید بایں صورت که دشمن و دوست سرکار
بیک موازنه میزان باشند و بهر صورت اعانت

ریاست دکن حیدرآباد

حیدرآباد صوبهٔ بزرگ سابق دکن است و تمامی
مملکت نظام الملک را بر حیدرآباد می‌گویند و ما بین
۱۶ و ۱۹ درجه عرض بلد شمالی واقع است جانب
شمال تا گوداوری جانب جنوب دریای کرشنه
جانب شرق گنده‌واما جانب غرب بدر و اورنگ‌آباد
طول تخمیناً ۵۱ و ۵۱ میل عرض و این مملکت جزو بزرگ
قدیم ملک تلنگان است که در آئین اکبری آن را
حد برار می‌گویند لیکن غالب است که در زمان
اکبر فقط یک حصه و آن تصرف سلطنت درآمده باشد
و سطح روی این ملک کوهی و زمین ناهموار لیکن
کوهها القدر مرتفع و بزرگ نیستند از این باعث
بسبب مقامات و دیگر عرض بلد اینجا سرما زیاده
می‌شود بعد انتقال عالمگیر

	سنه عیسوی	سنه هجری
نظام الملک ملک دکن را بتصرف خود درآورد	۱۷۱۷	
و بتاریخ بیست و چهارم ماه مارچ	۱۷۴۸	
انتقال نمود و می‌گویند که بسن یکصد و چهار سالگی رسیده بود و سه پسر خود را گذاشت غازی الدین خان	۱۷۴۸	

باصطلاح غیر مستطیله که متعلق بممالک نظام علیخان است
و جانب شرق باسرگوجه و سنبلپور و بخشیر
کوه های او و جانب شمال و غرب حدود سحولی
ظاهر و جانب جنوب و شرق از روی مساحت
سحولی دریافت نرسیده
آب و هوای این ملک نهایت مختلف که در صحرا
سرد شدید کمتر میشود و اگرچه تا ربیع هم باحد معتدل
ناگپور جانب شرق دیده شد لیکن در مقامات
بسیار مرتفع وقت شب در ماههای بارد یخ
بسته میشود و موسم سرما از نومبر تا فروری
و از فروری موسم خوشگوار و از مارچ گرم و
اپریل و می و جون ماههای موسم حار اگرچه
باران اگر در ماه جون میبارد ولیکن موسم باهم
گرم میماند و از جولائی تا سپتمبر ایام برسات
ولیکن برا اکثر گرم میباشد ژاله و طوفان اگر تفصیل
میرسانند و ناخوشیها و عوارض اکثر مردم لاحق
میباشد و الحال مردم مملکت تقریباً ۳۲۰
میشود

گوالیار

از یکدیگر به وقت ضرورت شود و ازین باعث
آرام و سکون میباشد
حاکم وقت نواب آصف جاه مظفر الممالک
نظام الملک میر محبوب علیخان بهادر فتح جنگ

ناگپور

مملکت راجه ناگپور مابین عرض بلد ۱۸° ۱۰ و ۲۴°
شمالی و طول بلد شرقی ۷۸° ۲ و هشتاد و سوم
درجه واقع است طول از شمال تا جنوب ۵۰۰
میل عرض از شرق تا غرب قریب ۳۵۰
میل و تخمیناً عرض و طول از ۳۰۰ میل زیاده نیست
و مجموع وسعت این ملک موافق حساب کرنیل
بلاکر صاحب ۷۰۰۰۰ مربع میل و از جانب شمال
باضلاع ساگر و نربدا محدود و جانب غرب در
واوه دین گنگ که ملک مذکور را از برار علیحده
مینماید جانب جنوب و جنوب غربی تا جانب
غرب از گم سور کار گنجام است و تا چشمه دریای
اندرولی از یک خط مفروض سمتی محدود و از انجا
مابین جنوب تا گوداوری جای الحاق دریای مذکور
سرحد است و جانب جنوب و جنوب شرقی

محاصره نمود و بعد چند ماه در سنهٔ ۱۸۰۴ عیسوی
از سازش مردم قلعه قلعه را گرفت و در سنهٔ ۱۸۰۵
عیسوی مطابق سنه هجری راجه امباجی بیک
شرط عفو و حفظ اقرار واگذاشت قلعه به سرکار
کمپنی نمود لیکن در وقت ایفای عهد قلعه دار بسبب
اغوای او در حوالی کردن قلعه انکار نمود ازین باعث
کرنل واتش صاحب محاصره نمود و توپها سر داد
تا اینکه بتاریخ چهارم فبروری محاصرین مجبور
گشته بگرفتن پنجاه هزار روپیه برای واگذاشت
قلعه راضی شدند لیکن این صلاح و تدبیر خلاف
رای مستر صاحب و صاحب گورنر و کرنل
واتش صاحب بود لیکن بعد از آن بسبب حبس
تدبیر اهل قلعه بسبب گرفتن قیمت بعض اسباب
سامان قلعه راضی شدند و فوج انگلیشیه وقت
شب دروازهای قلعه را محاصره کرد و بتاریخ
پنجم ماه مذکور سنهٔ ۱۸۰۴ عیسوی مطابق سنه هجری
خالی نمود الغرض بموجب عهدنامه سنهٔ ۱۸۰۵ عیسوی
وقتیکه گورنر جنرل بنگاله تمامی ملک جنوب چنبل را
واگذاشت گوالیار هم به دولت راو سیندهیا
افتاده بود و تا سنهٔ ۱۸۰۵ عیسوی با فوج خود بهر جانب

مورخین ذکر راجه های گوالیار را از ابتدای
سنه ۱ عیسوی مطابق سنه هجری ضبط تحریر نموده اند
که بعد محاصره و مدت قلعه مذکور در سنه ۱۱۹۶ عیسوی بار اول
بدست اهل اسلام آمد و غالب است که حکام هنود
بار اول اهل اسلام کرده باشند چراکه تسلط سلطان
التتمش در سنه ۱۲۳۲ عیسوی کرده بود و در سنه ۱۵۱۹
عیسوی ابراهیم عادل شاه لودی شاه جهان آباد
بعد حکومت یکصد سال هنود بار گوالیار را محاصره
کرده گرفته بود و بعد ازان معلوم میشود که قلعه را
همایون گرفته باشد زیرا که در سنه ۱۵۴۳ عیسوی حاکمی
که از طرف شاه بود به شیر شاه افغان حواله نموده بود
پس ازان وجوه ابهام غیر ممکن التسخیر معلوم میشود که اکثر
قلعه جات بدست مردم افتاده است و بعد زوال
سلطنت مغلیه گوالیار را راجای گوهد گرفت
که او هم حاکمی جدید بوده و از وی بمرهته ها رسید
و در سنه ۱۷۸۰ عیسوی میجر پاپم صاحب از سپاهیان
رساله خود بسبب گذاشتن نردبانها گرفت
و باز براجای گوهد رسید و چون بر عهد و میثاق
خود مستقر نماند ازین باعث از سرکار در باره
اعانت و امداد دست باز داشتند سندهیا قلعه را

وبهت گان و حمله است و گهاتی اطراف
دار الامارت قریب شکل مربعی است طولش
از شمال تا جنوب تقریباً ۱۲ میل و ۹ میل
در عرض و مجموع دورش ۵۰ میل بشمار
کوههای مرتفع جانب جنوب محیطش واقع
و فصول مثل ملک عربی هندوستان و زمستان
قدری بیشتر از موسم سرما شروع میشود و ماه
اکتوبر با تمام میرسد و ۹۰ درجه در ما لاریش کوهها
میان چند ساعت باختلاف درجه حرارت
میکنند و اگر سه چهار روز راه بروند یعنی از مقام
لوکوتی تا حیرو صرف حرارت بنگاله داخل میشود
ملک روسیه میشود مس و آهن بسیار تحفه در این
ملک میشود خصوصاً مس سابق این مس از
ملک اوده از همین جا میرفت لیکن از چندی روی
از ولایت میرسد و طلا که طرف بنگاله از این
ملک میرود در این ملک پیدا میشود ولیکن قلیل
از شهرهای کوچک میرسد و طلا که باهل بنگال
میرسد از تبت مع وصف باحساس میآید و سکه
سکه رائج الوقت بسال هشت آنه ۱۲ درهم
و یک سکه چیان کوچک رائج الوقت است

سرکردان ماده وساجرا وچین دار الامارت
خود را واگذاشت و پس از انقضای مدت
قلیلی ریاست گوالیار را از اولاد سندهیا جی
بدست خود آورد و ملک کوچها و بی خود را بهانجا
جانب جنوب قدری دورتر از قلعه مقرر نمود
و بارگاهی در مارتن از انجا موقوف شد
سوای آنکه برای تیرت بعید خود برود ودوک
شهر جدید بهتر از شهر قدیم نسبت او شاگردید
بعد مهاراجه دولت راو سندهیا سیحا باقی
جهنکو را و جیاجی راو حاکم حال

ریاست ملک نیپال

در مملکت سرکار هندوستان ریاست نیپال
هم داخل و بالفعل تقریباً بسمار حق از شمال
هندوستان شامل ملکها که متعلق باین ریاست
است مابین ۲۷ و ۳۰ درجه عرض بلد شمالی
و طول با شمال شرقی تا جنوب غربی تقریباً
۵۰۰ میل و ۱۰۰ امیل در عرض شهرهای خاص
کت ماندو که دار الامارت است و گورکه و پتام

و تا شمال از کشمیر و اضلاع مظفرآباد و جانب جنوب

شاهجهان آباد و احمر و ملتان و از جانب شرق

دریای ستلج یا بسیاری از اضلاع هندوستان

شمالی و جانب غرب دریای اتک و پیشاور

که افغانستان محدود است طول تقریباً

۳۰۰ عرض ۲۰۰ میل و موافق تحقیق اهل فضل

این حدود داخل اقلیم دوم و بسیار آباد و مسکون

و بهات صحت مزاج میباشد و نسبت دیگر مقامات

هندوستان سرمای شدید میشود اگرچه نسبت

ایران و تاتار کمتر است از کوههای شمالیه

آورده تمام سال میسر و شده است مثل عراق

عرب و اکثر جا از بستن راههای دریا لقره

و مس و قلعی و برنج و سرب یافته میشود و صوبه

پنج آب دارد و دو ر ۳۳ ۲ که منقسم در یک

مساحتی ۳۳۴ ر ۰ ۵ ا ر ۱ یکیه میشود و آمدنی

۲۳۴ ر ۰ ۰ ۵ ۳ ر ۹ ۶ ۵ واصله و تجارت بسبب

کثرت محصول اکثر مقامات دقت میشود و در

تحصیل بطا حاکم بموجب دستورالعمل لطف

جا حصلا ... دایمی کیر و در رعیت و مراعیس تحسین سلوک

پرداخته میشود و صوبه ... و تحویر عدل و انصاف

که دو صد و شصتاد و اران برابر یک سکه میشود
و در سنه ۱۲۲۳ عیسوی مطابق سنه هجری پرسکه نوا
راجه نمرن کدّه یکی از حکام ملک اوده قوم
سورج هنسی ملک نیپال را گرفت و تا سنه ۱۶۲۸ عیسوی
مطابق سنه هجری ریاست با ولاد وی
قائم ماند تا اینکه پرتهی نارائن راجه گورکهه ریاست
نمرن کدّه را باختتام رسانید و رنجیت مل
بهٹ گانگ متاخر نسل سورج هنسی با پرتهی نارائن
عهد نامه کرده بود و با نیپال که از مخالفت
راجه کٹهمانڈو خود را محفوظ بدارد ولیکن بسبب
همین ساز و موافقت ریاستش باتمام رسید
و رنجیت مل جا ده در شهر بنارس گرفت و همانجا
مرد و یک پسرش بهدل سنگه باقیماند و از وقتیکه
راجه گهرن جنگ و کرام شاه به سن نه سالگی در
سنه ۱۸۱۶ عیسوی مطابق سنه هجری نشست
مجموع انتظام ریاست به بهیم سنگه تاپا سپرده شد

لاهور

لاهور صوبه بزرگ هندوستان است و از
سی و دو درجه عرض بلد شمالی تا سی و چهار مبسوط است

سر تراشند و ریش بگذارند و بعد تسلط
اهل اسلام که در زمان اورنگ زیب عالمگیر
گردید همین شخص از لاهور بدر شد و میگویند که
در سنه ۱۷[illegible] عیسوی مطابق سنه هجری میان
دکهن مرد و پیش قوم سکه گرو نانک را
بانی مبانی مذهب و ملت خود میدانند
و ما بین پاسانی که در هند و مسلمان بعد اورنگ زیب
در سنه ۱۷[illegible] عیسوی مطابق سنه هجری بود داد
سکهان قوت گرفتند و ملک را از اعلی
سدا سراکی تخت و تاراج میکردند آخر یکی
از حکام سلطنت او را گرفتار کرده کشت
بعد ازان قوم سکه بنام نامی بندای
ماندند و بعد مردی در سنه ۱۷[illegible] عیسوی مطابق
سنه هجری و ما در آمدن ما در سنه حقیقت
انها همین بوده که اسباب ما دری را
بغارت می بردند و بعد از معرکه نادری نادر
قوت ایشان میان لاهور گردید و در ابتدای
احمد شاه ابدالی ۱۷۴۶ عیسوی انها ملک
دوآب را دی وحمله ور گردیدند و در سنه ۱۷۶۲
عیسوی و سنه ۱۷۶۳ عیسوی اکثر اهل اسلام

میان این قوم بسیار ناقص و سلطنت
غیر منتظم هر چند که در کتب انها و سوء العمل
عدل و انصاف بخوبی مندرج است لیکن
مثل اصول شریعت بجا نمی آرند و سکنه
این صوبه سیکهه و سنگه و خالصه و راجپوت
و دیگر هنود درند بل و اهل اسلام سیکهه لفظ
سنسکرت بمعنی شاگرد یا مرید است که نانک شاه
بانی قوم سیکهه بوده در قریه تلونڈی
ضلع بهٹی صوبه لاهور سنه ۱۴۶۹ عیسوی مطابق
سنه هجری متولد گردید و در کرتهی پور در
کنار دریای راوی مرد و بعد از ان گورو انگد
که اکثر کتاب ایشان خود را بخط تحریر
در آورد در سنه ۱۵۵۲ عیسوی مطابق سنه هجری
مرد و با اینکه نهایت درهم گرد و گورو دیگر
پیچ نها و ر رسید و این سردار مجموع
سلطنت سیکهه را انتظام جدید داد و سلطنت
ساخت آنها را یک گروه و سپاهیان
خونخوار و نام آنها را بدل سنگه نمود یعنی
شیر و سابق ازین قوم راجپوت سر
بانی لقب کشته میشد پس او حکم داد که موی

۱۵ ار لکهنؤ ۹ - ۲ وار بمبی ۷ ۱ وار کلکته

۱۳۵۶

بعد رکیب سنگه

کهر گرسنگه

ونونهال سنگه اگر در ریاست ماو رسید

بعد ازان

سرسنگه و بعدار جون ربری وحرالی

حال که در ریاست اوشان رو واد

ولیپ سنگه حاکم ریاست است

واحمد شاه ابدالی هزیمت خورده لیکن بعد شکست
همواره خود را بادشاه میدانستند تا اینکه مملکت
دریاست حال بتصرف ایشان در آمد
دار الامارت لاهور جانب جنوب دریای
راوی واقع است عرض بلد شمالی ۳۱ ۵۰
طول بلد شرقی ۷۴ ۱۸ و عرض دریا
درست ۳۰۰ ذرعه العدد عمق در ورند ارد
لیکن در موسم برسات الیسته و قلعه آن قدر
مستحکم نیست و بادشاه اکبر دار الامارت را
بنا کرده و ما بعد اورنگزیب آنرا وسیع کرده اند که
بالفعل دران سکونت حاکم حال است
واول سلطان بابر در ۱۵۲۰ عیسوی
مطابق سنه هجری لاهور را گرفت و
با خود رو در ریاست مغلیه ماند تا اوان
انقلاب سلطنت رو داد و بدست
احمد شاه ابدالی با دیگر کابل هم ماند
واکنون از مدت شصت سال بتصرف
سکه در آمده است که دار الامارت
ایشان بالفعل عنقریب است بعد مسافت
از شاه جهان آباد ۳۸۰ میل و از اکبر آباد